

عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان زنان متأهل شهرستان اهر

علی قاسمی اردهایی* رضا منافی آذر** سراج‌الدین محمودیانی***

چکیده

با گسترش فرایندهای مدرنیته بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله نگرش خانواده‌های ایرانی به فرزندآوری تغییر کرده و کاهش محسوس در میزان باروری، پدیده‌ی شایع در چند دهه‌ی اخیر بوده است. هدف اصلی مقاله شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان زنان متأهل است. بررسی مسئله و کاربست برنامه‌های اقتضایی برای جلوگیری از سالخوردگی جمعیت منطقه‌ی شهرستان اهر در سالیان آتی با توجه به پتانسیل‌های طبیعی، کشاورزی و صنعتی این منطقه اهمیت مضاعفی دارد. داده‌های این پژوهش در بین ۷۶۰ نفر از زنان متأهل ۱۸ تا ۵۰ ساله‌ی شهرستان اهر که با روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد متوسط تعداد فرزند برای هر یک از زنان ۲/۰۳ فرزند است. با کنترل متغیر مدت ازدواج، مدل‌های رگرسیون نشان می‌دهد که تحصیلات زن، تحصیلات پدر و ترجیح به داشتن فرزند دختر در پایین‌بودن سطح باروری زنان و در مقابل، تعداد برادر و خواهر، خانه‌داربودن زنان و انتخاب همسر از سوی والدین در بالا بودن سطح باروری زنان مؤثر است. نتیجه آنکه بسترهای اجتماعی سه‌گانه‌ی اثرگذار در فرزندآوری عبارت‌اند از ویژگی‌های خانواده‌ی پدری، ویژگی‌های سنی و تحصیلی همسر و ویژگی‌های زنان که با تغییر این بسترها تصمیم به فرزندآوری زوجین از لحاظ تعداد، فاصله‌ی بین مولید و حتی جنس فرزندان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد، رفتار باروری زنان یک رفتار فرهنگی شکل‌گرفته طی دوره‌های زمانی مختلف است و برای بالا بردن تعداد فرزندان زنان باید از برنامه‌های بلندمدت که دوران کودکی، دوران ازدواج و زمان فعلی زنان را شامل می‌شود، استفاده کرد.

واژگان کلیدی

فرزندآوری، زنان متأهل، مدت ازدواج، یادگیری اجتماعی، عوامل اجتماعی باروری.

*. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده‌ی مسؤل) (ghasemi33@yahoo.com)
**. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی (rezamanafiazar@yahoo.com)
***. استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز (serajmahmoudiani@gmail.com)

۱. مقدمه و بیان مسئله

باروری و فرزندآوری یکی از مقوله‌های مهم حوزه‌ی جمعیت‌شناسی است و تحت تأثیر عوامل متعدد جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی جامعه (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵: ۲) محور توسعه‌ی پایدار برای کشورهای با سطح باروری پایین محسوب می‌شود. فرزندآوری و تولد بر خلاف آنکه در ظاهر، امر ساده‌ای به نظر می‌رسد، مسئله‌ی پیچیده‌ای است که عوامل کمی و کیفی متعددی در آن تأثیرگذار است (پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲). در خلال بحث فرزندآوری ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی این موضوع نیز بررسی می‌شود تا جایی که در بسیاری مواقع به موضوع اصلی مباحث تبدیل می‌شود (عبدالمی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۳۶). این پدیده‌ی زیستی ابعاد مختلفی دارد که بعد اجتماعی آن شامل عوامل متعددی از جمله زنان، خانواده، همسر آنها و حتی جامعه و ترجیحات و نگرش‌های حاکم بر فرزندآوری و به‌خصوص تفسیر زوجها از باروری است (سفیری، کمالی و فرجی، ۱۳۹۶: ۸۷). خانواده‌ها با توجه به ارزشی که برای وجود کودکان به‌عنوان بهبوددهنده و تقویت‌کننده‌ی شبکه‌های اجتماعی والدین قائل‌اند، به فرزندآوری اقدام می‌کنند (Buhler, 2008: 569).

۱۴۴

در دهه‌های اخیر، با گسترش فرایندهای مدرنیته بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله نگرش خانواده‌های ایرانی در مورد فرزندآوری تغییر کرده است. ایران جزء کشورهایی است که در چند دهه‌ی اخیر در میزان باروری کاهش محسوسی داشته است. متوسط رشد سالانه‌ی جمعیت ایران از ۳/۹ درصد بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۱/۲۴ درصد بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) کاهش یافته است. کاهش میزان باروری کل در سال ۱۳۵۹ از ۷ به حدود زیر ۲ در سال‌های بعد از ۱۳۸۵ مؤید این ادعاست (همان) که عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب چنین تحولی شده است. این وضعیت دغدغه‌هایی در مورد باروری و فرزندآوری به وجود آورده و نگرانی در مورد آسیب‌های سالخوردگی و نسبت وابستگی جمعیت را افزایش داده است.

مدرنیته‌ی نوپا و وارداتی در تمام ساختارها و نهادها اثر گذاشته است (کاوه‌فیروز، زارع و جهانبخش‌گنجه، ۱۳۹۶: ۱۲۰؛ اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳: ۱۲؛ جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۴). رواج شهرنشینی و سلطه‌ی نخست شهری و شتاب در پویایی اجتماعی و جغرافیایی، رفتار و اندیشه‌ی خانواده‌ها را تغییر داده است (منافی‌آذر و جلالیان، ۱۳۹۴). تغییرات شگرف در شیوه‌های اندیشیدن و فهم، نهادها و ایدئولوژی‌های مسلط روابط اجتماعی و آیین‌های فرهنگی الهام‌بخش زندگی روزمره شده است (هاروی، ۱۳۹۴: ۱۰). با دگرگونی ساختاری در سطح کلان همچون صنعتی‌شدن،

شهرنشینی فزاینده و مانند آن، دگرگونی‌های ایدئولوژیکی در سطح کلان رخ داده و در سطح خرد نیز خانواده‌ها خود را با سطح کلان انطباق داده‌اند (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۷). فرایند صنعتی شدن - که کارکردهای اقتصادی خانواده‌ی سنتی را دگرگون کرده - در کاهش میزان تولیدمثل تأثیر عمده‌ای گذاشته است (سفیری، کمالی و فرجی، ۱۳۹۶: ۸۶). برخی، باروری بیشتر را موجب کاهش عرضه‌ی نیروی کار والدین قلمداد کرده‌اند (Guo & et al, 2017: 147) و افزایش حجم خانوار و فرزندآوری بیشتر را با فقر خانوار مترادف دانسته‌اند (Libois & Somvill, 2017: 313). در نتیجه، خانواده نیز پایه‌ی تحولات اجتماعی متحول شده و پذیرش شکل‌های جدید هم‌زیستی، خانواده‌های زن و شوهری بدون فرزند یا با فرزندان ازدواج نکرده به جای شکل سنتی خانواده نمود پیدا کرده است (کاوه‌فیروز، زارع و جهانبخش‌گنجه، ۱۳۹۶: ۱۲۰؛ کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴)

در جامعه‌ی ایرانی، باورهایی راجع به سبک زندگی و زندگی ایده‌آل در حال گسترش است که فرزند کمتر را همراه با سعادت‌مندی و بهروزی بیشتر می‌بیند (عالی، ۱۳۹۷: ۸). به نظر می‌رسد، پدیده‌ی کم‌فرزندی، تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی اکنون به شاخصی از زندگی مدرن تبدیل شده است و بسیاری از زوج‌های جوان از آن استقبال می‌کنند. این عامل باعث شده تا سن باروری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن و مادر بودن کاهش یابد (رستگارخالد، محمدی و ریاحی، ۱۳۹۶: ۸). بالا بودن هزینه‌های تشکیل و اداره‌ی خانواده - که به افزایش سن ازدواج و تأخیر زمان باروری انجامیده است - گسترش وسایل و فنون جدید ضدبارداری، بی‌ثباتی خانواده‌ها، ایدئولوژی‌های جدید راجع به خانواده‌ها، تلاش زنان برای دستیابی به اشتغال و آزادی بیشتر نیز در وقوع این امر دخیل بوده‌اند (بستان و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۸) از پیامدهای محتمل این دگرگونی کاهش سطح زادوولد است که علاوه بر تأثیر منفی در رشد جمعیت، ساختار سنی جمعیت را به سالخورده‌گی متمایل ساخته است.

با توجه به مباحث مطرح شده کاهش باروری در کل کشور پدیده‌ی شایعی است، اما تمایل به فرزند کمتر در شهرستان اهر (و در کل منطقه‌ی ارسباران) طبق آمار موجود هشداردهنده است. مطابق با تحقیقات قبلی (نوبخت و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱؛ قاسمی اردهایی، نوبخت و ثوابی، ۱۳۹۳) درباره‌ی فرزند دلخواه (ایده‌آل) در بین زنان متأهل ساکن در شهرستان اهر، بیش از ۹۰٪ زنان تعداد یک و دو فرزند را به‌عنوان فرزند دلخواه انتخاب کرده‌اند؛ لذا شناسایی زمینه‌های اجتماعی کاهش تمایل به فرزندآوری با توجه به پتانسیل‌های طبیعی، کشاورزی و صنعتی شهرستان اهر برای جلوگیری از سالخورده‌گی جمعیت در سالیان آتی اهمیت بیشتری می‌یابد. بررسی زمینه‌های اجتماعی این مسئله و برنامه‌ریزی مرتبط با آن می‌تواند نگرانی درباره‌ی آسیب‌های سالخورده‌گی و

وابستگی جمعیت در سال‌های آتی را کاهش دهد. بنابراین سؤال اصلی مقاله این است: «زمینه‌های اجتماعی تعیین‌کننده‌ی تعداد فرزندان زنان متأهل شهرستان اهر کدام‌اند»؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در دهه‌های اخیر، تحقیقات متعددی در موضوع فرزندآوری و تعیین‌کننده‌های تعداد فرزند انجام شده است که هرکدام از زوایای خاصی این موضوع را ارزیابی کرده‌اند. در دهه‌های اول انقلاب، هم‌راستا با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» محتوای کتاب‌های جمعیتی، گرایش به فرزند کمتر را تشویق می‌کردند. در برخی از این کتاب‌ها به صراحت نوشته شده است: «خوشبخت و سعادت‌مند کودکی است که پدر و مادر او با فرزند کمتر محیط مناسب‌تری برای او فراهم کنند؛ تا آنچه در نهاد و سرشت او نهفته است، شکوفا شود» (فیض، ۱۳۹۶: ۱۶۶). لیکن با انتقال جمعیتی کشور و نگرانی‌های ناشی از سالخوردگی جمعیت، سیاست‌های کنترل جمعیت نقد و کنار گذاشته شدند و متخصصان این رشته با آینده‌نگری درباره‌ی اثرات سوء کاهش فرزندآوری آگاهی دادند. بنابراین بررسی عوامل مؤثر در تمایل به داشتن فرزند کمتر و برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های متناظر آنها اهمیت زیادی دارد. در سال‌های اخیر تحقیقات و تجارب متعددی در این باره به ادبیات جمعیت‌شناسی افزوده شده است. برخی از این پژوهش‌ها، تعداد فرزند را ناشی از عوامل غیراقتصادی دانسته و بر اثرات انکارناپذیر عوامل اجتماعی تأکید کرده‌اند. در جدول شماره ۱ به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

جدول ۱. گزیده‌ای از مطالعات انجام‌یافته در حوزه‌ی فرزندآوری و تعیین‌کننده‌های تعداد فرزند

پژوهشگر	عنوان	نتیجه
عباسی شوازی و حسینی (۱۳۸۸)	تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن در رفتارهای و ایده‌آل‌های باروری زنان ترک و کرد	پیمایش در جامعه‌ی زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌ی شهر ارومیه نشان داد: تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده در میان گروه‌های قومی عمومیت دارد که ملازم با تغییر در نگرش‌ها و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و درنهایت، رفتار و ایده‌آل‌های باروری است.
هزارجریبی و عباس‌پور (۱۳۸۹)	تأثیر عوامل اجتماعی- اقتصادی بر میزان باروری زنان (مطالعه‌ی موردی: شهر تبریز)	میزان باروری زنان ۴۵-۱۵ ساله‌ی شهر تبریز با متغیر «داشتن سابقه‌ی مرگ فرزند» رابطه‌ی مستقیم و با متغیرهای درآمد، تحصیلات، میزان استفاده از وسایل ضدبارداری و احساس داشتن تعداد فرزند ایده‌آل رابطه‌ی معکوس دارد.
مباشری و همکاران (۱۳۹۲)	عوامل تأثیرگذار در الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند شهرستان شهرکرد	در بین زنان متأهلی که حداقل ۲ سال از ازدواجشان گذشته و فرزند ندارند؛ ۳ عامل افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی، نبود حمایت رفاهی از جانب دولت و نگرش غلط «داشتن فرزند بیشتر» نشانه‌ی فرهنگ اجتماعی ضعیف‌تر است» از مهم‌ترین عوامل مؤثر در فرزندآوری هستند.
قاسمی‌اردهایی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه‌ی سن ازدواج و ترکیب خانواده	با پیمایش از زنان همسر دار ۱۵ تا ۵۰ ساله در شهرهای تبریز و اهر که دوران کودکی را در مقاطع ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳ گذرانده‌اند، نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه‌ی سن ازدواج و ترکیب خانواده تطبیق داده شد. ویژگی‌های تحصیلی و شغلی در بین نسل‌های مختلف موجب شکل‌گیری تفاوت فضای اجتماعی دوران کودکی آنهاست. نسل‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی از زمان شکل‌گیری خانواده، ارزش فرزند، تعداد فرزند و ترجیح جنسی فرزند دارند.
صادقی و سزایی (۱۳۹۴)	عوامل مؤثر در گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران	بین متغیر حمایت‌های اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه‌ی معنادار به‌دست آمد، اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه‌ی معناداری به‌دست نیامد.

پژوهشگر	عنوان	نتیجه
ارجمند سیاهپوش و برومند (۱۳۹۵)	بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک	در بین زنان کمتر از ۳۵ سال متأهل بین ترجیح جنسی و گرایش به فرزند کمتر رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما بین سن، تحصیلات، سبک زندگی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه منفی معنادار وجود دارد.
سفیری و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند (مورد شهر ایلام)	نگرش مثبت به فرزندآوری در بین زنان همسر دار ۱۸ تا ۴۰ ساله شهر ایلام در حد متوسطی قرار دارد. نقش منفی ماهواره در داشتن فرزندان زیاد، نقش مثبت تلویزیون در داشتن تعداد فرزندان زیاد، نظر دیگران نسبت به زن باردار و تعداد فرزندان زیاد، نقش خانواده و اطرافیان در دلسرد کردن افراد، وضعیت اشتغال پاسخ‌گو و میزان صمیمیت با دیگران بیشترین تأثیر را در نگرش به فرزندآوری دارد. یادگیری اجتماعی، فشار هنجاری و شبکه‌ی اجتماعی برای تبیین رابطه‌ی عوامل اجتماعی با میزان نگرش مثبت به فرزند مناسب دانسته شد.
Buhler and Philipov (2005)	Social Capital Related to Fertility	حمایت از روابط بین فردی یکی از عوامل مهم در تمایل به باروری در جوامع اروپای شرقی و مرکزی به حساب می‌آیند.
Sobtko and et al (2010)	Economic recession and Fertility in the Developed World	در آمریکا افرادی که بیکاری، کاهش دستمزد و ناآرامی شغلی را تجربه می‌کنند، باروری کمتری دارند. در دوره‌ی رکود اقتصادی نرخ باروری کاهش می‌یابد.
Balbo & Barban (2014)	Dose fertility behavior spread among fertility	ریسک فرزندآوری افراد بعد از بچه‌دار شدن دوستانشان افزایش می‌یابد و تا حدود ۲ سال بعد به اوج می‌رسد، زیرا تجربه‌ی باروری یک دوست منبع مهم یادگیری است.
Libois and Somvill (2017)	Fertility, household size and poverty in Nepal	رابطه‌ی بین تصمیمات باروری خانوار و تغییرات در اندازه و ترکیب آنها در نپال با داده‌های سطح ملی نشان می‌دهد، افزایش اندازه‌ی خانوار به فقر خانوار کمک می‌کند. کاهش باروری در خانوار ممکن است اثر مبهمی در مصرف آن در سرانه‌ی مصرف داشته باشد.
Adeeb Alam and Portner (2017)	Income Shocks, Contraceptive Use, and Timing of Fertility	رابطه‌ی شوک‌های درآمدی و تصمیمات باروری در تانزانیا با داده‌های پانل نشان داد، احتمال وقوع حاملگی و زایمان برای خانوارهایی که شوک زراعی را تجربه می‌کنند بسیار پایین تر است. تصمیمات خانوار در تغییرات رفتار باروری بیش از عواملی مانند وضعیت سلامت زنان، مهاجرت، ساعات کار و غیره تأثیر دارد.

ملاحظه می‌شود که در اکثر مطالعات ذکر شده در بالا، با استفاده از روش تحقیق پیمایش نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در رفتار، گرایش و ایده‌آل‌های باروری افراد (به‌ویژه زنان متأهل) سنجیده شده است. در این مطالعه با در نظر گرفتن جوانب کلی سعی می‌شود تأثیر عوامل اجتماعی بر تعداد فرزند زنان متأهل مورد بررسی قرار گیرد.

۳. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

صاحب‌نظران علوم اجتماعی و رفتاری در سطوح مختلف خرد و کلان پدیده‌ی رفتار باروری را بررسی کرده‌اند. در سطح کلان عوامل فرهنگی، محیطی-اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در باروری مؤثر می‌دانند و در سطح خرد نیز به انگیزه‌های شخصی، سلیقه‌ها، نگرش‌های افراد و طرز تلقی افراد اهمیت می‌دهند. در ادامه به برخی از نظریه‌های مرتبط اشاره می‌شود.

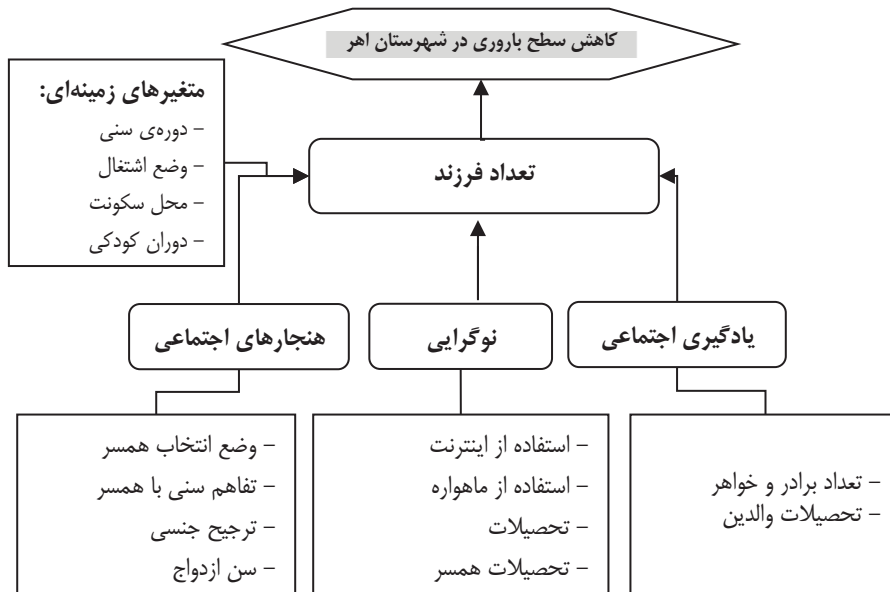
نوگرایی نوعی اندیشه در پی جایگزینی مدرن به‌جای کهنه و برتر جلوه‌دادن مدرن است. نوگرایی نوعی اندیشه در پی جایگزینی مدرن به‌جای کهنه و برتر جلوه‌دادن مدرن است (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). به باور ماکس وبر، جامعه‌ی مدرن با تحول از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن شکل می‌گیرد و با گسترش عقلانی‌شدن و نهادینه‌شدن کنش‌های اقتصادی عقلانی در تمام حوزه‌های جامعه بروز پیدا می‌کند (شکوری، ۱۳۹۲: ۴؛ Jenkins, 2000, p 302). صاحب‌نظران تئوری نوگرایی بر این باورند که نوسازی محیط، نوعی شیوه‌ی زندگی و فکری را به‌وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف و آینده‌نگری و آرزوی رسیدن به زندگی مرفه را در انسان تقویت می‌کند (ارجمند سیاه‌پوش و برومند، ۱۳۹۵: ۱۵). صاحب‌نظران تئوری انتقال جمعیتی این موضوع را به‌گونه‌ی دیگری استدلال می‌کنند. از دیدگاه آنها، جوامع در مسیر حرکت به توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و نوگرایی، انتقال جمعیتی را تجربه می‌کنند. هرچه درجه‌ی توسعه‌یافتگی جامعه‌ای بالا باشد، انتظار می‌رود که میزان باروری آن پایین‌تر باشد (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۳۰؛ عباسی‌شوازی، ۱۳۸۳: ۱۱). فاوست بر این باور است که مطالعات و بررسی‌ها در موضوع باروری نشان می‌دهد، دسته‌ای از خصایص شخصیتی فرد، بخشی از فرایند نوسازی را شکل می‌دهد. کلیفورد نیز جهت‌گیری ارزشی و پایگاه اجتماعی فرد را با تغییرات واقعی باروری مرتبط می‌داند (سیاه‌پوش و برومند، ۱۳۹۵: ۱۵). از نظر گیدنز، تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی که دیگران برای آنها قائل‌اند، پایگاه نامیده می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۲۶). عوامل متعددی مانند نیاکان، اصل و نسب، وضع تمکن، مفیدبودن از لحاظ شغلی و میزان و نوع تحصیلات در پایگاه اجتماعی افراد مؤثرند (ملک، ۱۳۸۶: ۲۱). اسکیربک رابطه‌ی منفی بین پایگاه اجتماعی و باروری را مطرح کرد

(Skirbekk, 2008: 146). والدین تحصیل کرده با رتبه‌ی شغلی بالا و پردرآمد، به ابزارهای کنترل باروری دسترسی دارند و خواستار فرزندان کمتری هستند (منصوریان و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۴). لیکن والدین با پایگاه اجتماعی پایین (طبقه‌ی شغلی و درآمد پایین) به لوازم کنترل بارداری دسترسی کمتری دارند و بنابراین فرزندان بیشتری را خواهند داشت.

از سوی دیگر، باروری رفتاری اجتماعی است که در یک محیط اجتماعی حادث می‌شود و علاوه بر تصمیم زوج‌ها عوامل فردی (نگرش‌ها و انگیزه‌های مربوط به فرزندآوری) و محیطی (فشار اطرافیان و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی) نیز در آن تاثیرگذار است (خدیوژاده، هادی‌زاده طلّاساز و شاکری، ۱۳۹۶: ۲۲۷؛ چرم‌زاده، آخوند و راسخ، ۱۳۹۳: ۳۷). نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بندورا^۱ عواملی دارد که برای پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی استفاده می‌شود. این نظریه بیشتر در مطالعات رفتار فردی برای مشخص شدن ارتباط میان عوامل فردی، عوامل محیطی و رفتار استفاده می‌شود (خدیوژاده، هادی‌زاده طلّاساز و شاکری، ۱۳۹۶: ۲۲۷). بندورا بر رفتار اجتماعی و بر خاستگاه اجتماعی - که بخش مهمی از اندیشه و عمل انسان است - تأکید می‌کند. در یادگیری شناختی-اجتماعی بندورا تعامل پویای بین شخص، محیط و رفتار است که رفتار را تولید می‌کند و در این تعامل یادگیری و کسب دانش از راه پردازش اطلاعات انجام می‌شود (جاویدی، معدنی و رضوی، ۱۳۹۰: ۲۳۴ - ۲۳۸). براساس این نظریه، تقلید از سرمشق احساس شایستگی را به همراه می‌آورد (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). چهار عنصر اساسی نظریه‌ی شناختی-اجتماعی بندورا عبارت‌اند از: فرایند یادگیری مشاهده‌ای، تعیین‌کنندگی متقابل، خودتنظیمی و خودکارآمدی (Bandura, 1971). در عمل، همه‌ی پدیده‌های یادگیری باتجربه‌ی مستقیم و مشاهده‌ی رفتار دیگر افراد و پیامدهای رفتار جانشینی می‌تواند اتفاق بیفتد (رحمتی نجارکلائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). بدین ترتیب که هرگاه یادگیرنده در مجاورت با کسی قرار گیرد و به اعمال او توجه کند، آن اعمال را خواهد آموخت (سیف، ۱۳۷۴: ۱۸۹). همچنین، تجربیات فرزندآوری آشنایان می‌تواند مفروضات مرتبط با چگونگی مواجهه با وظایف والدینی را نشان دهد (Balbo & Barban, 2014: 415). بنابراین می‌توان استدلال کرد که زوجین بخش عظیمی از نگرش خود در مورد فرزند و فرزندآوری را می‌آموزند و طبق آموخته‌های خود عمل می‌کنند (سفیری، کمالی و فرجی، ۱۳۹۶: ۹۱). افراد با پایگاه اجتماعی بالا، به ابزارهای کنترل بارداری دسترسی داشته و فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورند. سایر پایگاه‌های اجتماعی نیز این رفتار را تقلید کرده و در نتیجه گرایش به فرزند کمتر به رفتار تبدیل می‌شود.

بدین ترتیب، عمل بخردانه مورد نظر فیش باین و آیزین^۱ محقق شده و گرایش به رفتار و هنجار ذهنی پدید می‌آید (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۷). بنابراین، چنانچه فرزندآوری یا کم‌فرزندی به هنجاری اجتماعی تبدیل شود، می‌تواند رفتار کنشگران را جهت دهد (رضوی‌زاده، غفاریان و اخلاقی، ۱۳۹۴: ۷۹). نظریه‌ی فشار- به جای بررسی دو بعد روان‌شناسی فردی یا خصیصه‌های زیستی- مدعی است جست‌وجوی موضوعات در درون اجتماع است (حسینی‌کشاوری، ۱۳۹۶: ۳). بر اساس این نظریه اصولاً نیروها و عوامل فراگیر موجود در جامعه اعمال و ارزش‌ها را تعیین می‌کنند. این نظریه در دو حوزه مطرح است؛ یکی فشارهای ساختاری ناشی از جامعه و دیگری فشارهای روحی- روانی افراد. ادهیکاری هنجارهای فرهنگی، تحصیلات زنان، نیروی کار زنان، سکونت شهری، ثروت خانوادگی و سطوح کلی از توسعه‌ی اجتماعی در سطح زادوولد اثرگذار است (Adhikari, 2010). و بر نیز معتقد است یک رابطه تا زمانی موجود خواهد بود که احتمال آن وجود داشته باشد که از یک هنجار رفتاری همچنان پیروی کند. منظور از احتمال این است که، انسان‌ها، در یک زمینه‌ی اجتماعی مشخص، رفتارشان را برحسب توقعات هنجارهای اجتماعی به احتمال زیاد جهت خواهند داد (کوزر، ۱۳۸۸: ۳۰۹). بدین صورت با تحولات ناشی از مدرنیسم و مصرف‌گرایی، داشتن فرزند کمتر فشاری هنجاری بر زنان متأهل می‌آورد.

باتوجه به مباحث نظری و مطالعات مطرح، مدل تحلیلی مقاله و فرضیه‌های تحقیق در تصویر شماره‌ی ۱ ترسیم و ارائه می‌شود باید توجه داشت که مفاهیم مدل و فرضیه‌ها باتوجه به مباحث نظری و گویه‌های مفاهیم باتوجه به مطالعات مرتبط و نیز پرسش‌نامه‌ی دردسترس تنظیم شده است تا بتوان یک چارچوب تحلیلی منسجم و آزمون‌پذیر تهیه کرد.



تصویر ۱. مدل تحلیل تأثیرگذاری متغیرهای اجتماعی و زمینه‌ای در فرزندآوری پایین زنان

۱۵۲

- باتوجه به مدل تحلیل پژوهش (تصویر ۱)، فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به‌صورت ذیل جمع‌بندی کرد:

- به‌نظر می‌رسد، تعداد فرزندان زنان برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای آنها متفاوت است.
- به‌نظر می‌رسد، مقوله‌های نوگرایی در پایین نگاه‌داشتن سطح باروری زنان متأهل شهرستان اهر مؤثر بوده است.
- به‌نظر می‌رسد، هنجارهای اجتماعی زنان نقشی تعیین‌کننده در تعداد فرزند آنها دارد.
- به‌نظر می‌رسد، تعداد برادر و خواهر و میزان تحصیلات والدین زنان (در نقش یادگیری اجتماعی) در تعداد فرزندان زنان مؤثر است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و ماهیت روش توصیفی-تحلیلی پس‌رویدادی است. جامعه‌ی آماری شامل تمامی زنان متأهل ۱۸ تا ۵۰ ساله‌ی شهرستان اهر است که مطابق با نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ شهرستان اهر حدود ۳۰۰۰۰ نفر برای این شهرستان برآورد شده است. باتوجه به فاکتورهای سطح اطمینان، خطای محدود به نمونه و نیز احتمال

وجود یک صفت در جامعه‌ی آماری برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران به صورت زیر استفاده شده است:

$$\begin{aligned}
 & - \text{احتمال وجود صفت در جامعه } 50\% \text{ فرض شده است (} P=0.5 \text{)} \\
 & - \text{سطح اطمینان } 99\% \text{ در نظر گرفته شده است (} t=2.58 \text{)} \\
 & - \text{پایایی یا دقت احتمالی مطلوب } 4/6\% \pm \text{ در نظر گرفته شده است (} d=0.046 \text{)} \\
 & - \text{طبق سرشماری } 1395 \text{ اندازه‌ی جمعیت } 30 \text{ هزار نفر است (} N=30000 \text{)} \\
 & n = \frac{Nt^2P(1-P)}{Nd^2 + t^2P(1-P)} \Rightarrow \frac{30000 \times 6.66 \times 0.25}{(30000 \times 0.002116) + (6.66 \times 0.25)} = 766
 \end{aligned}$$

با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته، تعداد 760 نفر از زنان جامعه‌ی آماری پیمایش شدند. روستاها براساس دهستان خوشه‌بندی شدند که دهستان‌های آذغان، اوچ‌هاچا، بزگش و گویجه بئل به‌عنوان خوشه انتخاب شدند و در گام بعدی در بین دهستان‌های مذکور، روستاهای آذغان، کسانق، قلندر، زندآباد، کقالق و خونیق روستاهای نمونه انتخاب شدند. در مرحله‌ی بعد، از هریک از این روستاها 20 زن متأهل 18 تا 50 ساله به صورت تصادفی پیمایش شدند. شهرستان اهر نیز ابتدا به 5 منطقه‌ی جغرافیایی مرکز شهر، شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد. در ادامه، هریک از این مناطق به 10 منطقه‌ی آماری تقسیم شدند که از هریک از این مناطق 10 گانه تصادفی 2 منطقه انتخاب شدند. در نهایت در شهر اهر نیز، داده‌ها از 640 زن متأهل 18 تا 50 ساله‌ی جمع‌آوری شد. متغیر وابسته تحقیق حاضر تعداد فرزند است و تحصیلات (خود، همسر و والدین)، وضع اشتغال، محل سکونت، دوران کودکی، تعداد برادر و خواهر، تفاهم سنی با همسر، شیوه‌ی انتخاب همسر، ترجیح جنسی و استفاده از اینترنت و ماهواره متغیرهای مستقل و مدت ازدواج متغیر کنترل مقاله هستند.

5. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش براساس نتایج به‌دست‌آمده در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی و نتایج آماری در ادامه ارائه شده است.

۵-۱- متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی

خلاصه‌ی ویژگی‌های زمینه‌ای و اجتماعی زنان پاسخ‌گو در جدول شماره‌ی ۲ آورده شده است. زنان مورد مطالعه شده با میانگین سنی ۳۴/۵ سال بیشتر در دامنه‌ی سنی ۲۶ تا ۳۳ سال (۳۳٪) و ۳۴ تا ۴۱ سال (۲۵٪) قرار گرفته‌اند و متوسط حدود ۱۴ سال از زمان ازدواجشان سپری شده است. نکته‌ی مهم در باره‌ی مدت زمان ازدواج زنان این است که درصد‌های اختصاص‌یافته برای زمان‌های ازدواج نزدیک (۳ تا ۶ سال) تقریباً شبیه به زمان ازدواج بلندمدت (بیشتر از ۲۰ سال) است. مطالعه‌ی تناسب سنی زوجین نشان می‌دهد که حدود یک‌سوم آنها از لحاظ سنی با هم متناسب‌اند. یک‌سوم آنها تفاوت سنی ۳ تا ۵ ساله از همدیگر و یک‌سوم بقیه تفاوت سنی ۶ سال و بالاتر دارند.

هریک از زنان ۱۸ تا ۵۰ ساله‌ی مطالعه‌شده، متوسط ۲/۰۳ فرزند دارند که بیشترین درصد (۳۷٪) به دو فرزند و سپس برای یک فرزند (۳۰/۱۶٪) و سه فرزند (۱۶/۷٪) اختصاص دارد. ۵/۴٪ پاسخ‌گویان نیز با وجود اینکه حداقل سه سال از زمان ازدواجشان گذشته است، هنوز صاحب فرزندی نیستند. سطح تحصیلات زنان متفاوت از تحصیلات والدین و تقریباً شبیه به تحصیلات همسرانشان است. بیشتر از یک‌چهارم زنان و نیز همسرانشان تحصیلات دانشگاهی داشته و ۸/۳٪ زنان و ۵/۱٪ همسرانشان بی‌سوادند. تحصیلات دیپلم نیز نسبت به سایر سطوح تحصیلی درصد بیشتری را برای پاسخ‌گویان و همسرانشان به خود اختصاص داده است. این در حالی است که بیشتر والدین زنان بی‌سواد بوده و تنها ۳٪ پدر و ۴/۰٪ مادر آنها تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند. ۲۷٪ زنان همسرانشان را خودشان انتخاب کرده‌اند، ۳۵/۶٪ زنان همسرانشان را والدینشان انتخاب کرده‌اند و ۳۷/۴٪ انتخابشان مشارکتی بوده است. ۸۴٪ پاسخ‌گویان محل سکونتشان شهر بوده است و ۶۰٪ از دوران کودکی در شهر بزرگ شده‌اند. بیشتر زنان خانه‌دار بودند و حدود ۲۶٪ از ماهواره و ۳۵٪ از اینترنت استفاده می‌کنند. مطالعه‌ی زنان از لحاظ ترجیح جنسی نیز نشان می‌دهد که بیشترشان (۶۱٪) ترجیح جنسی نداشته، ۲۷٪ ترجیح جنسی به فرزند پسر و ۱۲٪ بقیه ترجیح جنسی به فرزند دختر دارند.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای و اجتماعی منتخب

تحصیلات	بی‌سواد	نهیضت و ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
خود	۸/۳	۲۲/۸	۱۱/۵	۳/۰	۲۸/۲	۷/۸	۱۶/۷	۱/۸	-
همسر	۵/۱	۱۹/۰	۱۷/۰	۳/۳	۲۶/۶	۶/۴	۱۷/۸	۴/۵	۰/۳
پدر	۵۱/۱	۲۹/۸	۸/۲	۰/۶	۷/۲	۲/۱	۰/۸	۰/۲	-
مادر	۷۳/۴	۱۸/۲	۳/۷	۰/۵	۳/۹	۰/۲	۰/۲	-	-
سن (به سال)					مدت ازدواج (به سال)				
۱۸-۲۵	۲۶-۳۳	۳۴-۴۱	۴۲-۵۰	۳-۶	۷-۱۲	۱۳-۲۰	۲۱-۳۴		
۱۷/۳	۳۳/۲	۲۵/۲	۲۴/۳	۲۴/۶	۲۵/۴	۲۳/۵	۲۶/۵		
شیوهی انتخاب همسر					تفاوت سنی با همسر (به سال):				
خود	والدین	باهم	متناسب	۳-۵	۶-۱۰	۱۱-۲۲			
۲۷/۰	۳۵/۶	۳۷/۴	۳۰/۷	۳۳/۳	۳۱/۰	۵/۰			
محل سکونت		دوران کودکی			وضع اشتغال				
روستا	شهر	روستا	شهر	شهر	شاغل	خانهدار			
۱۵/۸	۸۴/۲	۳۹/۶	۶۰/۴	۱۶/۲	۸۳/۸				
استفاده از ماهواره		استفاده از اینترنت			ترجیح جنسی				
بلی	خیر	بلی	خیر	خیر	خیر	دختر	پسر		
۲۵/۷	۷۴/۳	۳۵/۰	۶۵/۰	۶۱/۳	۱۱/۷	۲۷/۰			
تعداد فرزند									
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	
۵/۴	۳۰/۶	۳۷/۱	۱۶/۷	۵/۹	۲/۱	۱/۶	۰/۳	۰/۳	۰/۳

۵-۲- روابط تعداد فرزندان با متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی

بررسی تفاوت میانگین تعداد فرزندان در بین مقوله‌های متغیرهای زمینه‌ای-اجتماعی (از طریق آزمون‌های تی و تحلیل واریانس یک‌طرفه) نشان می‌دهد، میانگین تعداد فرزندان در بین مقوله‌های شیوه‌ی انتخاب همسر، ترجیح جنسی، وضع اشتغال و دوران کودکی متفاوت است. زنانی که همسرشان را خودشان انتخاب کرده‌اند، در مقایسه با زنانی که والدینشان برای آنها همسر انتخاب کرده‌اند یا با مشارکت والدینشان همسر انتخاب کرده‌اند؛ زنانی که دوست دارند تک‌فرزندشان دختر باشد نسبت به آنهایی که ترجیح جنسی ندارند یا اینکه دوست دارند تک‌فرزندشان پسر باشد؛ زنان شاغل نسبت به خانه‌دارها و نیز زنانی که دوران کودکی‌شان را در شهر سپری کرده‌اند در مقایسه با زنانی که دوران کودکی‌شان را در روستا گذرانده‌اند، تعداد فرزند کمتری دارند. بنابراین زمینه‌های اجتماعی شیوه‌ی انتخاب همسر، ترجیح جنسی، وضع اشتغال و دوران کودکی می‌تواند در تمایزپذیری زنان از نظر تعداد فرزند اثرگذاری معنی‌داری داشته باشد؛ درحالی‌که متغیرهای محل سکونت، استفاده از ماهواره و اینترنت نتوانسته است در میانگین تعداد فرزند اثرگذاری معنی‌داری داشته باشد.

جدول ۳. میانگین تعداد فرزندان پاسخ‌گویان به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی

۱۵۶

متغیرهای مستقل	مقوله‌ها	میانگین	مشاهدات	نوع و مقدار آزمون	مقدار معنی‌داری
شیوه‌ی انتخاب همسر	خود	۱/۷۵	۱۶۵	F= ۱۵/۷۷	۰/۰۰۰
	والدین	۲/۳۲	۲۲۲		
	خود و والدین	۱/۹۳	۲۳۰		
ترجیح جنسی	دختر	۱/۷۶	۷۲	F= ۳/۱۵	۰/۰۴۳
	پسر	۲/۰۱	۱۶۸		
	فرقی نمی‌کند	۲/۱۵	۳۸۵		
وضع اشتغال	خانه‌دار	۲/۰۸	۵۲۴	T= ۲/۷۳	۰/۰۰۷
	شاغل	۱/۷۹	۱۰۲		
محل سکونت	روستا	۲/۲۱	۹۴	T= ۱/۲۱	۰/۲۲۷
	شهر	۲/۰۰	۵۳۳		

مقدار معنی‌داری	نوع و مقدار آزمون	مشاهدات	میانگین	مقوله‌ها	متغیرهای مستقل
۰/۰۵۶	T = ۱/۹۲	۱۶۱	۱/۸۸	بلی	استفاده از ماهواره
		۴۶۴	۲/۰۹	خیر	
۰/۰۰۰	T = ۳/۸۶	۲۴۹	۲/۲۷	روستا	دوران کودکی
		۳۷۷	۱/۸۶	شهر	
۰/۰۶۴	T = ۱/۸۵	۲۱۸	۱/۹۱	بلی	استفاده از اینترنت
		۴۰۵	۲/۰۹	خیر	

در جدول شماره ۴، مقدار همبستگی و معنی‌داری متغیرهای کمی تعداد برادر و خواهر، تناسب سنی با همسر، دوره‌ی ازدواج و نیز متغیرهای شبه کمی تحصیلات خود زن، تحصیلات همسر و والدین زن با میانگین تعداد فرزند نشان داده شده است. نتایج آزمون پیرسون^۱ نشان می‌دهد، تحصیلات زن، همسر و والدین وی با تعداد فرزند همبستگی معکوس دارد، زنانی که خود، همسر و والدین‌شان سطوح تحصیلی بالاتری دارند، تعداد فرزندان آنها کمتر است. در مقابل، هر چه تعداد خواهر و برادر پاسخ‌گویان زن و تفاوت سنی آنها با همسرانشان بیشتر باشد، به نسبت تعداد فرزند بیشتری نیز دارند. اثرگذاری مدت ازدواج در فرزندآوری زنان امری بدیهی است. این متغیر که در تحلیل‌های چندمتغیره، متغیر کنترل بوده است، در این تحلیل‌های دومتغیره نیز آورده شده است. مقدار همبستگی‌ها نشان می‌دهد که متغیر مدت ازدواج یک همبستگی مثبت بسیار قوی با تعداد فرزندان زنان دارد و در مرتبه‌ی بعد تحصیلات زن و سپس تحصیلات همسر وی با تعداد فرزند همبستگی بسیار بالایی دارد.

جدول ۴- نتایج همبستگی داشتن تعداد فرزند با متغیرهای اجتماعی منتخب

متغیرها	تحصیلات همسر	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	تعداد برادر و خواهر	تفاوت سنی با همسر	مدت ازدواج
مقدار همبستگی	-۰/۴۹۲	-۰/۳۲۶	-۰/۲۹۸	-۰/۲۲۱	۰/۲۴۹	۰/۷۲۱
مقدار معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰

۱. نتایج آزمون راسپیرمن (Spearman's rho) نیز همانند نتایج پیرسون به‌دست آمده است.

۵-۳- تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل در تعداد فرزند

برای بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل در فرزندآوری زنان متأهل شهرستان اهر با کنترل مدت ازدواج، از معادله‌ی رگرسیون خطی گام‌به‌گام استفاده شده است. ضرایب رگرسیون و آماره‌های نیکویی برازش مدل‌های رگرسیون در جدول شماره ۵ آورده شده است. با توجه به مقدار F و سطح معنی‌داری روابط آماری، از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون (تحصیلات خود، همسر، پدرومادر، مدت ازدواج، شیوه‌ی انتخاب همسر، تفاوت سنی با همسر، محل سکونت، گذران دوران کودکی، وضع اشتغال، ترجیح جنسی، تعداد برادر و خواهر و استفاده از ماهواره و اینترنت)، دو متغیر مدت ازدواج و تحصیلات خود در سطح معنی‌داری $0/01$ و متغیرهای تعداد برادر و خواهر، تحصیلات پدر، سکونت در شهر و ترجیح جنس دختر در سطح معنی‌داری $0/05$ معنی‌دار شده‌اند. زنانی که از ازدواجشان مدت زمان بیشتری گذشته و نیز تعداد برادر و خواهر بیشتری دارند، تعداد فرزندشان بیشتر است و در مقابل، زنانی که خود و پدرشان تحصیلات بالاتری دارند، ساکن شهر هستند و نیز ترجیح به داشتن فرزند دختر دارند، تعداد فرزندشان پایین است. ضریب همبستگی چندگانه ($R=75$) همبستگی قوی بین متغیرهای موجود در معادله‌ی رگرسیون را نشان می‌دهد. با توجه به ضریب تعیین تصحیح شده ملاحظه می‌شود که متغیرهای وارد شده در معادله‌ی نهایی رگرسیون (مدل شماره ۶) ۵۶ درصد از تغییرات تعداد فرزندان زنان را تبیین می‌کند. در بین متغیرهای مستقل وارد شده در معادله‌ی رگرسیون، مدت ازدواج به تنهایی ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. با توجه به اینکه زنان متعلق به دوره‌های ازدواجی مختلف ویژگی‌ها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلفی دارند، برای یکسان‌سازی این متغیرها در دوره‌های تاریخی مختلف، متغیر مدت ازدواج به‌عنوان متغیر کنترل در معادله‌ی رگرسیون وارد شده است. قبل از وارد شدن این متغیر در معادلات رگرسیونی، خروجی رگرسیون نشان می‌دهد که تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات پدر و ترجیح به داشتن فرزند دختر در پایین بودن سطح باروری زنان و در مقابل، تعداد برادر و خواهر، خانه‌دار بودن زنان و انتخاب همسر توسط والدین در بالا بودن باروری زنان مؤثر است. در مجموع، این شش متغیر ۳۵ درصد از تغییرات سطح باروری زنان را تبیین می‌کنند. در این میان، تحصیلات زنان با سهم ۲۴ درصد، بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی متغیر وابسته بررسی شده را دارد و بعد از آن، متغیرهای تحصیلات پدر، تعداد برادر و خواهر و وضع اشتغال زن تبیین‌کننده‌های قوی‌تری هستند.

جدول ۵. پیش‌بینی تعداد فرزند بر حسب متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی

متغیرها	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	β	B	β	B	β	B	β	B	β	B	β	B
مقدار ثابت	-	۰/۵۹	-	۱/۲	-	۰/۸۹	-	۱/۰	-	۱/۱	-	۱/۲
مدت ازدواج	۰/۷۲ ^{***}	۰/۱	۰/۶۴ ^{***}	۰/۰۹	۰/۶۴ ^{***}	۰/۰۹	۰/۶۱ ^{***}	۰/۰۹	۰/۶۲ ^{***}	۰/۰۹	۰/۶۲ ^{***}	۰/۰۹
تحصیلات	-	-	-۰/۱۷ ^{***}	-۰/۰۸	-۰/۱۴ ^{***}	-۰/۰۸	-۰/۱۲ ^{***}	-۰/۰۷	-۰/۱۰ ^{***}	-۰/۰۶	-۰/۱۰ ^{***}	-۰/۰۶
تعداد برادر و خواهر	-	-	-	-	۰/۱۰ ^{***}	۰/۰۶	۰/۰۹ ^{***}	۰/۰۵	۰/۰۸ ^{***}	۰/۰۵	۰/۰۸ ^{***}	۰/۰۵
تحصیلات پدر	-	-	-	-	-	-	-۰/۰۸ [*]	-۰/۰۶	-۰/۰۸ [*]	-۰/۰۶	-۰/۰۸ [*]	-۰/۰۵
سکونت در شهر	-	-	-	-	-	-	-	-	-۰/۰۷ [*]	-۰/۲۲	-۰/۰۷ [*]	-۰/۲۳
ترکیب جنس دختر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-۰/۲۴
ضریب همبستگی (R)	۰/۷۲۳		۰/۷۳۷		۰/۷۴۳		۰/۷۴۶		۰/۷۴۹		۰/۷۵۱	
ضریب تعیین (R ²)	۰/۵۲۲		۰/۵۴۳		۰/۵۵۲		۰/۵۵۶		۰/۵۶۰		۰/۵۶۵	
R ² تصحیح شده	۰/۵۲۲		۰/۵۴۱		۰/۵۴۹		۰/۵۵۳		۰/۵۵۶		۰/۵۶۰	
F ضریب	۶۱۳		۳۳۲		۲۲۹		۱۷۵		۱۴۲		۱۲۰	

* معنی‌داری در سطح $P < ۰/۰۵$ ** معنی‌داری روابط در سطح $P < ۰/۰۰۱$

بحث و نتیجه‌گیری

باروری و تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزند یک مقوله‌ی فرهنگی و از مهم‌ترین تصمیمات زوجین در طول زندگی مشترکشان است. باتوجه به مرحله‌ای بودن این تصمیم‌گیری عوامل مختلف و درهم‌تنیده‌ای در آن مؤثر است. باتوجه به تداخل‌ها و همبستگی‌های بالا بین و درون عوامل اجتماعی و اقتصادی تبیین‌کننده‌ی تغییرات باروری، در این مقاله، سعی شده است به برخی از متغیرهای اجتماعی که می‌تواند در تغییرات تعداد فرزند و پایین نگه‌داشتن سطح باروری زنان شهرستان اهر مؤثر باشد، اشاره شود. متغیرهایی که خود محصول و متأثر از سایر مقوله‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند و در تحلیل نهایی بهتر است کلیت این عوامل را در نظر گرفت. رفتار باروری در حوزه‌ی خصوصی زوجین انجام می‌شود، ولی شکل‌گیری این رفتار جمعیتی را می‌توان براساس برخی مقوله‌های اجتماعی پیش‌بینی کرد. بدین معنی که با تغییر بسترهای اجتماعی، تصمیم به فرزندآوری زوجین از لحاظ تعداد، فاصله‌ی بین مولید و حتی جنس فرزندان تغییر خواهد کرد.

براساس یافته‌های پژوهش، عوامل اجتماعی اثرگذار در فرزندآوری پایین زنان را می‌توان در سه مقوله مطرح کرد؛ اولین مورد به قبل از ازدواج زن و دوران زندگی وی در خانه‌ی پدری بازمی‌گردد که متغیرهای محل تولد و گذران دوران کودکی، تعداد برادر و خواهر و تحصیلات والدین را شامل می‌شود. زنان متولد و بزرگ‌شده‌ی شهر، زنانی که تعداد برادر و خواهر کمتری دارند و نیز آنهایی که تحصیلات والدینشان به نسبت بالاست، تعداد فرزند کمتری دارند. اثرگذاری این مقوله‌ها را می‌توان مطابق با نظریه‌های مدرنیسم (Jenkins, 2000) و یادگیری اجتماعی (Bandura, 1971) در نظر گرفت. بنابراین، محیط اجتماعی و خانوادگی می‌تواند در یادگیری اجتماعی از جمله رفتار باروری افراد مؤثر باشد. دومین مورد به ویژگی‌های همسر اشاره دارد. زنانی که همسرشان تحصیلات بالاتری دارند و نیز تفاوت سنی با همسرشان پایین است، باروری پایین‌تری دارند. اثرگذاری ویژگی‌های شوهر در فرزندآوری این نکته را مشخص می‌کند که در برنامه‌ریزی‌های روند و تغییرات باروری سطح جامعه به ویژگی‌های مردان خانواده نیز همانند ویژگی‌های زنان توجه شود. باتوجه به ساختارهای فرهنگی جامعه‌ی ایران، این احتمال هست که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مردان در تغییرات کمی و کیفی باروری جامعه مهم‌تر از ویژگی‌های همسرشان باشد. مورد سوم در مورد ویژگی‌های خود زنان است. سلیق و نگرش زنان در چگونگی انتخاب همسر، ترجیح جنسی فرزندان، اشتغال و سطح تحصیلات نیز در پایین‌بودن سطح باروری زنان مطالعه‌شده

مؤثرند. زنانی که همسرشان را خودشان انتخاب کرده‌اند، زنانی که دوست دارند تک‌فرزندشان دختر باشد، زنان شاغل و نیز زنانی که سطح تحصیلات بالاتری (به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی) دارند، تعداد فرزند کمتری را اختیار کرده‌اند. این متغیرهای انگیزشی در تلفیق با رویکردهای نوسازی، یادگیری و فشار اجتماعی نقش مهمی در پایین نگه‌داشتن باروری زنان شهرستان اهر دارند.

موارد مطرح‌شده با کنترل مدت ازدواج زنان انجام شده است. مشخص است که علاوه بر اثرگذاری مستقیم مدت ازدواج در تعداد فرزندان زنان هم در تبیین‌های مدرنیسم، یادگیری اجتماعی و فشار اجتماعی و هم در تبیین‌های سلیق و نگرش‌های زنان، دوره‌ی زمانی ازدواج نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. براین اساس، هم در تحلیل‌های دومتغیره و هم در تحلیل‌های چندمتغیره مدت ازدواج مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی تغییرات تعداد فرزندان زنان است. زنان مطالعه‌شده که دهه‌های دوم الی ششم زندگی‌شان را می‌گذرانند، دوره‌های تاریخی و حوادث اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهمی همانند انقلاب سال ۱۳۵۷، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دولت‌های مختلف با رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای متفاوتی را سپری کرده‌اند. همین برهه‌های زمانی توانسته است اثرات متفاوتی را در نگرش زنان در مورد تعداد فرزند آنها داشته باشد.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که رفتار باروری زنان یک رفتار فرهنگی است که طی دوره‌های زمانی مختلف شکل گرفته و برای بالابردن تعداد فرزندان زنان باید از برنامه‌های بلندمدت که دوران کودکی، دوران ازدواج و زمان فعلی زنان را شامل می‌شود، استفاده کرد. در این برنامه‌های بلندمدت بهتر است، بیشترین تأکید بر برنامه‌های فرهنگی باشد و بر یادگیری اجتماعی (به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی) و کاهش فشار اجتماعی و نیز آمال و آرزوها در فضای دوران مدرن توجه شود. هنجارها تکالیف اجتماعی هستند و از دو راه باعث کنترل و هدایت کنش در نظام تعاملی می‌شوند؛ یکی از راه درونی شدن در نظام شخصیت و دیگری نهادی شدن در نظام اجتماعی (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴). در نخستین حالت، هنجارها یا فشارهای هنجاری نقش بیشتری در کنش افراد دارند. بدین ترتیب هنجارشدهن فرزندآوری کمتر رو به نهادی شدن است.

- برای بالابردن تعداد فرزندان زنان در جامعه‌ی آماری مطالعه‌شده سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌شود:
- برنامه‌ریزی برای تغییرات نگرشی فرزندآوری در میان افراد با تحصیلات دانشگاهی. مجموعه‌ی اقدامات سیاستی در این باره بایستی افراد تحصیل کرده (اعم از زنان، همسر و والدینشان) را مجاب کند که تعداد فرزند بیشتر نشان از پایگاه اجتماعی پایین یا مانع تحرک اجتماعی افراد نیست.
 - توجه کافی و همه‌جانبه از جانب کارفرما (به‌ویژه بخش دولتی) به مشکلات مادرانی که صاحب فرزند می‌شوند. توجه‌نداشتن کافی در این باره موجب می‌شود که زنان شاغل در موقعیت انتخاب بین فرصت‌های شغلی و فرزندآوری فرصت اشتغال را ترجیح دهند.
 - توجه به مشکلات زندگی شهری به‌ویژه مشکلات خانواده‌های پر تعداد در مورد مسکن مناسب و اجاره‌بهای مسکن.
 - از شرایط اقتصادی خانواده‌ها به‌ویژه با توجه به تورم ملموس سال‌های اخیر و معیشت دشوار خانواده‌ها نباید غفلت شود. برای کاهش اثر این متغیر در رفتار فرزندآوری خانواده‌ها می‌توان از سیاست‌های تشویقی مانند خدمات بهداشتی و درمانی رایگان یا یارانه‌ای به زنان باردار و نوزادان و طراحی مسیرهای یارانه‌ای تهیه‌ی مایحتاج نوزادان و نوباوگان استفاده کرد.

منابع

- ◀ ارجمند سیاهپوش، اسحق و ناهید برومند، ۱۳۹۵، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیشمک با تأکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶ (۲۱).
- ◀ اعزازی، شهلا، ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ او جاقلو، سجاد و بهنام سرایی، ۱۳۹۳. «مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزندان در ایران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱ (۲).
- ◀ بستان (نجفی)، حسین، شرف‌الدین، سیدحسین و محمدعزیز بختیاری، ۱۳۸۸، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ پاپلی‌یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی، ۱۳۸۷. نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: سمت.
- ◀ پیلتن، فخرالسادات و محمد رحمانیان، ۱۳۹۵. «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (مورد مطالعه: زنان و مردان ۲۵-۴۵ ساله شهر جهرم)»، مطالعات اجتماعی ایران، ۷ (۲).
- ◀ جاویدی کلاته‌جعفرآبادی، طاهره، صدیقه معدنی و بی‌بی‌زهرا رضوی، ۱۳۹۰. «نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی بندورا و دلالت‌های تربیتی آن»، اولین همایش یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ◀ چرم‌زاده، رویا، محمدرضا آخوند و عبدالرحمان راسخ، ۱۳۹۳. «عوامل مؤثر بر فاصله تولدها در خانم‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان اهواز»، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)، ۲ (۴).
- ◀ حسینی‌کشاورز، معصومه، ۱۳۹۶. «نظریه‌های فشار اجتماعی مبتنی بر عدم برابری فرصت‌ها دورکیم و مرتون»، پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم جزا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ◀ خدیوزاده، طلعت، الهام ارغوانی و محمدتقی شاکری، ۱۳۹۳. «تعیین ارتباط انگیزه‌های فرزندآوری با ترجیحات باروری»، زنان، مامایی و نازایی ایران، ۱۷ (۱۱۴).
- ◀ جمشیدیها، غلامرضا، صادقی فسایی، سهیلا و منصوره لولآور، ۱۳۹۲، «نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، ۵ (۲).
- ◀ راد، فیروز و حمیده ثوابی، ۱۳۹۴. «بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۱۵-۵۰ ساله ساکن شهر تبریز)»، مطالعات زن و خانواده، ۳ (۱).
- ◀ رحمتی نجارکلاتی، فاطمه، نعمت‌الله جنیدی‌جعفری و محمدرضا جعفری، ۱۳۹۵، «اثربخشی مداخله آموزشی کارگاهی بر مبنای تئوری شناختی اجتماعی در زمینه کاهش خطر ایدز در دانشجویان رشته‌های غیرپزشکی»، پژوهش سلامت، ۱ (۲).

- ◀ رستگار خالده، امیر، میثم محمدی و محمدناصر ریاحی، ۱۳۹۶. «جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری»، *مطالعات راهبردی زنان*، د نوزدهم، ش ۷۵.
- ◀ رضوی‌زاده، ندا، الهه غفاریان و آمنه اخلاقی، ۱۳۹۴. «زمینه کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۳۱.
- ◀ سفیری، خدیجه، افسانه کمالی و الهه فرجی، ۱۳۹۶. «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند (مطالعه زنان شهر ایلام)»، *مطالعات راهبردی زنان*، د نوزدهم، ش ۷۵.
- ◀ سیف، علی اکبر، ۱۳۷۴، «روانشناسی پرورشی نوین؛ روانشناسی یادگیری و آموزش»، چاپ پنجم، تهران: نشر آگاه.
- ◀ شکوری، علی، ۱۳۹۲، «مدرنیسم و پست مدرنیسم و پیامدهای آن بر توسعه و روستا با تأکید بر ایران»، *روستا و توسعه*، ۱۶ (۳).
- ◀ صادقی، حناهدادات و حسن سرایی، ۱۳۹۵. «عوامل مؤثر بر فرزندآوری زنان شهر تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷ (۲۷).
- ◀ فیض، جواد، ۱۳۹۶. *من و کودک من*، تهران: امیرکبیر.
- ◀ عالمی نیسی، مسعود، ۱۳۹۷. «فرا تحلیل تحقیقات تجربی پیرامون رضایت از زندگی و تعداد فرزندان در کشورهای مختلف»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۰، ش ۷۹.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال، ۱۳۸۳. *تحولات باروری در ایران*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ◀ عبدالمهدی، عادل و علی رحیمی، ۱۳۹۶. *برساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزندآوری و موانع پیش‌رو: مطالعه‌ی موردی کاربران اینترنتی*، «مطالعات راهبردی زنان» دوره ۲۰، ش ۷۷.
- ◀ قاسمی‌اردهانی، علی، رضا نوبخت و حمیده ثوابی، ۱۳۹۳. «بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه ازدواج و ترکیب خانواده»، *مطالعات زن و خانواده*، د ۲، ش ۱.
- ◀ کاوه‌فیروز، زینب، بیژن زارع و صادق جهانبخش‌گنجه، ۱۳۹۶. «تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶ (۱).
- ◀ کلانتری، صمد، محمد عبازاده، فاروق امین مظفری و ندا راکعی‌بناب، ۱۳۸۹. «بررسی جامع‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز)»، *جامعه‌شناسی*، ۱ (۱).
- ◀ کوزر، لوئیس، ۱۳۸۸. *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ◀ گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷. *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ◀ مباحثی، محمود، معصومه علیدوستی، سعید حیدری‌سورشجانی، فرزین خسروی، پوران خلفیان و محسن جلیلیان، ۱۳۹۲. «تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند

و بدون فرزند شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۲»، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ۲۱ (۶).
 ◀ مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن».
 ◀ محسنی، منوچهر، ۱۳۷۹، «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران»، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ◀ ملک، حسن، ۱۳۸۶، «جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

◀ منافی آذر، رضا و حمید جلالیان، ۱۳۹۴. اقتصاد فضا، تهران: جهاد دانشگاهی خوارزمی.
 ◀ منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس، ۱۳۸۵. «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری؛ مطالعه موردی شهر تهران»، ویژه‌نامه جمعیت و توسعه، ۲۴ (۲).
 ◀ نوبخت، رضا و علی قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱، «شکاف نسلی و رفتار باروری: مطالعه تطبیقی رفتار باروری زنان شهر اهر متولد قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۷ (۱۴).
 ◀ نیکوکار، قربانعلی، احمدی، گلناز و سیمین سالیانی، ۱۳۹۵، «نظریه پست مدرنیسم (فرانوگرایی)»، قابل دسترس در: <http://www.madomeh.com/site/news/news/7073.htm>

◀ هاروی، دیوید، ۱۳۹۴. هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: اختران.
 ◀ هزارجریبی، جعفر و علیرضا عباسپور، ۱۳۸۹. «تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی بر میزان باروری زنان (مطالعه موردی: شهر تبریز)»، پژوهش‌های اجتماعی، ۳ (۶).
 ◀ یوسفی، علی، مارینا فرهودی‌زاده و مرضیه لشکری‌دربندی، ۱۳۹۴. «فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۴۶).

► Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal., Mc Donald P. and Hosseini Chavoshi. M (2009). The fertility transition in Iran: Revolution and Reproduction. Springer, Dordrecht.

► Abbasi-Shavazi M.J. & et al., (2009). The fall in Iranian Fertility: Theoretical Considerations

► Adhikari, Ramesh., 2010. "Demographic, socio-economic and cultural factors effecting fertility differentials in Nepal". *BioMed Central, pregnancy & childbirth, 10 (1)*.

► Bandura, Albert, 1971. *Social learning theory*, New York: General learning press.

► Buhler, ch, D philipov, 2008. "On the Structural Value of children and its Implication on Intended Fertility in Bulgaria ". *Demographic Research* 18: 569-610.

- ▶ Balbo, Nicoletta & Nicola Barban, 2014. "Dose fertility behavior spread among fertility?" *American Sociological Review*, vol 79 (3).
- ▶ Buhler, ch, E Fratzak 2004. "Social Capital and Fertility Intentions: The Case of poland". *Maxplanck Institute for Demographic research*. 4(3).
- ▶ Fracois, Libois. And Somvill, Vincent (2017). Fertility, household size and poverty in Nepal. *World Development*. Volume 103, March 2018, Pages 311-322. Available at: <https://www.sciencedirect.com>
- ▶ Libois, Fracois and Somvill, Vincent , 2017, "Fertility, household size and poverty in Nepal", *World Development, Volume 103*, March 2018, Pages 311-322. Available at: <https://www.sciencedirect.com>
- ▶ Jenkins, Tim, 2000, "Putting postmodernity into practice: endogenous development and the role of traditional cultures in the rural development of marginal regions", *Ecological Economics*, Vol 34 , N 4.
- ▶ Skirbekk, Vegard, 2008, "Fertility trends by social status", *Demographic Research*. 18(5).
- ▶ Guo, Rufei, Hongbin Li, Junjian Yi and Junsen Zhangd, 2017. "Fertility, household structure, and parental labor supply: Evidence from China". *Journal of Comparative Economics*, Vol 46, issue 1, 145-156.
- ▶ <https://www.sciencedirect.com> (2018.01. 20)